

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

المان – 22 مارچ 2012

بهار و طبیعت

کني آماده و پـــــرورده در ايام بهار
لاله و سنبل و ريحان هزاران به هزار
طوطيان خنده کنان اند به هر کنج و کنار
ديده در راه بدوزد که چـــــه آيد ز بهار
بوسه اي چند که آرد نفس شان به شمار
غنچه شرمندگي از سرخي رنگ لب يار
زان همه سردی و بی رحمی ارباب کبار
مردم بی سر و بی پای بهر کوی و دیار
سوخت در آتش سنگین مسلمان و کفار
هرطرف بنگری صد مادر غمدیده قطار
مادرش رفته ز انتظار و ندارد غمخوار
قسمت بیوه زنان حـــــال تباه قلب فگار
دست یک پیر نگیرند که ندارد غمخوار
زان کسانی که بدوش من و تو گشته سوار
می مکند خون ز ابنای وطن چون سوسمار
آن کسان مالک میلیون و تریلون به هزار
فقر و بیچارگی افزون ز سرحد شمار
حق خـــــود را بستانیم ز دیوان مکار
ظـــــالمان را بسر شان ببندیم افسار

ای طبیعت چه نقاشی که دوصد نقش و نگار
مخمل سبزه بود پهن به کـــــوی و برزن
بلبلان مست گل و گل به تماشای چمن
نرگس همواره که چشمی نگـــــرانی دارد
عاشقان از لب معشوقه تقـــــاضا دارند
برگ گـــــل نازکی تازه عذاری دارد
گـــــوئی از باد صبا اشک یتیمان ریزد
زاسمان خـــــون ببارد، بزمین خفته بخون
مردم صـــــلح طلب صاف دل بی پروا
هر طـــــرف گوش دهی آه یتیمان در گوش
طفل شیرخـــــوار که جز در پی مادر نرود
دختران در سر بازار چـــــو حیوان بفروش
هر جـــــوان عقده بدل در پی شغلی پویان
آه و افسوس و صد افسوس کـــــه قلبی نتپید
این کسان اند که چون جـــــوک پلید خونخوار
من و تو نان شب و روز گـــــدائی بکنیم
نان و آبـــــی نرسد بهر ضعیفان وطن
پس بیائید پی چـــــاره این کار شویم
رحـــــم بر مردم غمدیده بیچاره کنیم

ای وطن فخر تو کو عزت و شانت به کجاست؟ این چه آورد به سرت ددمنشان خونخوار
شهره از خوبی بدی در همه دنیا لیکن شهرت نیک تو گردیده کنون بی مقدار
یارب از فضل و کرم رحمت خاصی بنما تا برون رفت ازین فـاجعهٔ پرادبار
آنچه از دست برفته است بیارند بدست
نشود ظـلم و ستم بر سر مردم تکرار

تیمور شاه تیموری - المان